

Analysis of the Prophecies of the End of the World in Zoroastrianism Based on the View of Mircea Eliade

Ali Tasnīmi *

Ali Šādiqīmanish ** Hastī Qādirī Suhī ***

(Received: 2019-06-02; Accepted: 2020-02-26)

Abstract

The prophecies of the end of the world in Zoroastrianism are mostly reflected in *Zand-i Wahman Yasn*, the prophecy of *Jāmāsp* in the memorial of *Jāmāsp* and the rise of *Shābahrām Varjāvand*; In these works, which are examples of the mythical prophecies of the end of the world, one of the main components is the emergence and widespread and positive change that happen at the end of the world. In the present study, using library sources and descriptive-analytical method, we will analyze the aforementioned texts based on the mythological views of the religious phenomenologist Mircea Eliade. According to Eliade, although these prophecies outwardly depict the future of the world, inwardly, because of their mythological theme, they indicate the desire for the eternal return of mankind to the pre-existing moment, and therefore contain all patterns of mythical return. And in the context of a mythical narration, they provide the ground for the audience to pass from linear time to sacred time.

Keywords: End of the World Prophecy, Zoroastrianism, Mircea Eliade, *Zand-i Wahman Yasn*, *Jāmāsp*, The Rise of *Shābahrām Varjāvand*.

* Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ḥakīm Sabzivārī University, Sabzivār, Iran (Corresponding Author), a.tasnimi@hsu.ac.ir.

** Postdoctoral Fellowship in Mythology, Department of Persian Language and Literature, Ḥakīm Sabzivārī University, Sabzivār, Iran, a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir.

*** PhD Student in Epic Literature, Ḥakīm Sabzivārī University, Sabzivār, Iran, ha.ghaderi@hsu.ac.ir.

پژوهش‌های ادیبانی

سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۴۳-۱۶۱

تحلیل پیش‌گویی‌های پایان جهان در دین زردشت با تکیه بر دیدگاه میرچا الیاده

علی تسنیمی*
علی صادقی‌منش** هستی قادری سهی***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷]

چکیده

پیش‌گویی‌های پایان جهان در دین زردشت، بیشتر در زند وهومن یسن، پیش‌گویی جاماسپ در یادگار جاماسپ و برآمدن شابه‌رام ورجاوند نمود یافته‌اند؛ در آثار یادشده، که نمونه‌هایی از پیش‌گویی‌های اسطوره‌ای پایان جهان به شمار می‌آیند، یکی از مؤلفه‌های اصلی، ظهور و تغییری گسترده و مثبت، به صورت ناگهانی در فرجام جهان است. در پژوهش پیش رو، که با تکیه بر منابع کتاب‌خانه‌ای و با روش تحلیلی توصیفی انجام می‌شود، با اتکا بر دیدگاه‌های اسطوره‌شناختی پدیدارشناس دینی، میرچا الیاده، متون یادشده را واکاوی خواهیم کرد. بر اساس دیدگاه الیاده، این پیش‌گویی‌ها گرچه در ظاهر، آینده جهان را به تصویر می‌کشند، در باطن به سبب درون‌مایه اساطیری‌شان، نشان از میل بازگشت جاودانه بشر به لحظه ازلی دارند و به همین روی تمام الگوهای بازگشت اسطوره‌ای را در خود دارند و در بستر روایتی اسطوره‌ای، زمینه را برای عبور مخاطب از زمان خطی به زمان قدسی فراهم می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: پیش‌گویی پایان جهان، دین زردشت، میرچا الیاده، زند وهومن یسن، جاماسپ، برآمدن شابه‌رام ورجاوند.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)
a.tasnimi@hsu.ac.ir

** پسادکتری اسطوره‌شناسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
ha.ghaderi@hsu.ac.ir

مقدمه

زند وهومن یسن، پیش‌گویی جاماسپ در یادگار جاماسپ و برآمدن شابه‌رام ورجاوند از آثار کهن بازمانده از زبان‌های ایرانی هستند که در مسئله پایان جهان و دیدگاه‌های موجود در دین زردشت درباره ظهور، سخن گفته‌اند. این آثار از سویی برای زردشتیان ارزش دینی، و از دیگر سو برای پژوهشگران حوزه اسطوره‌شناسی ارزش اسطوره‌ای دارد. بررسی آنکه چنین متونی به چه دلیل پدید آمده‌اند و پاسخ‌گوی چه دغدغه‌هایی در ذهن ایرانیان کهن بوده‌اند، می‌تواند زمینه پدید آمدن پژوهشی باشد که حاصلش نگرشی ژرف‌تر از فرهنگ و اندیشه ایرانیان در طول تاریخ است. چنین واکاوی اسطوره‌شناختی‌ای فقط در صورتی می‌تواند دقیق و سودمند باشد که بر پایه دیدگاهی استوار و علمی اجرا شود؛ بهره‌بردن نگارندگان از نظریه میرچا الیاده (Mircea Eliade) (۱۹۸۶-۱۹۰۷ م.) در راستای دست‌یافتن به همین هدف انجام می‌شود. میرچا الیاده، اسطوره‌شناس و دین‌پژوه برجسته رومانیایی، شخصیتی است که آثار و دیدگاه‌هایش می‌تواند اساس و بنیان مناسبی برای بررسی این پیش‌گویی‌ها باشد.

بیان مسئله و پرسش‌های بنیادین

مسئله پایان جهان و چگونگی گذار از معضلات موجود برای دست‌یافتن به زندگی آرمانی، یکی از جدی‌ترین مسائلی بوده که در دوره‌های گوناگون، ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. آثار بررسی‌شده در این پژوهش همگی به همین موضوع می‌پردازد و تبیین رویدادهای پیش از پایان جهان و ظهور منجی اصلی‌ترین درون‌مایه این سه متن است. پرسش بنیادین این پژوهش نیز درباره همین موضوع است:

- الف. در آثاری چون *زند وهومن یسن*، *پیش‌گویی جاماسپ* در *یادگار جاماسپ* و *برآمدن شابه‌رام ورجاوند* چه الگوهای تکرارشونده‌ای می‌توان یافت؟
- ب. هدف خودآگاه یا ناخودآگاه زردشتیان از چنین پیش‌گویی‌هایی چه بوده است؟

فرضیه تحقیق

بر پایه دیدگاه میرچا الیاده، اگر در پی پاسخی برای پرسش بنیادین مطرح‌شده در بالا باشیم، می‌توان این گمانه‌ها را مطرح کرد:

الف. الگوهای تکرارشونده در متون بررسی شده همگی از سیری قهقرایی حکایت دارند که با رویدادی بزرگ، به ظهور منجی و تغییر مثبت می‌انجامند.
ب. رویدادها و الگوهای تکرارشونده سه اثر بررسی شده، نشان از میل ناخودآگاه به بازگشتی جاودانه به لحظه ازلی (Illotempor) دارند.

روش تحقیق

نگارندگان در پژوهش پیش رو خواهند کوشید با اتکا بر منابع کتاب‌خانه‌ای، نخست به درکی صحیح از سه اثر مهم در دین زردشت، *زند و هومن یسن*، *پیش‌گویی جاماسپ* در *یادگار جاماسپ* و *برآمدن شابه‌رام ورجاوند* دست یابند و همچنین بر دیدگاه‌های میرچا الیاده تسلط یابند؛ گام بعدی تحلیل این متون زردشتی کهن با تکیه بر دیدگاه‌های الیاده و به روش تحلیلی توصیفی است. در تحلیل این متون، یافتن الگوهای تکرارشونده و تطبیق آن بر دیدگاه‌های الیاده می‌تواند ره‌برنده باشد.

پیشینه تحقیق

درباره پیش‌گویی‌های آخرالزمانی ادیان، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که در بسیاری از آنها شاهد بررسی ادیبانی غیر از دیانت زردشت هستیم؛ برای نمونه در مقاله «بررسی تطبیقی پیش‌گویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت» (هدایتی و نورایی، ۱۳۹۵: ۲۴۴-۲۲۵) شاهد چنین تحلیل‌هایی هستیم که البته این پژوهش و پژوهش‌های مشابه آن، از نظر موضوع و روش، با پژوهش پیش رو کاملاً متفاوت است. در برخی از پژوهش‌ها نیز با بررسی پیش‌گویی‌هایی مواجهیم که گرچه در بخش‌هایی اندک با دیانت زردشت پیوند دارند، اما اساس پژوهش بر جنبه‌های ادبی و آثاری است که ادیبان آنها اولویت دارد؛ مقالاتی چون «پیش‌گویی در گرشاسب‌نامه حکیم اسدی توسی» (دری و قاندازه خمیری، ۱۳۹۳: ۴۷-۶۳) و «بررسی تطبیقی کارکردهای پیش‌گویی در حماسه‌های بزرگ جهان (شاهنامه، ایلیاد، ادیسه)» (غلام‌پور دهکی و پشت‌دار، ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۸۱) از همین دست آثارند.

در برخی آثار نیز گرچه با پیش‌گویی‌های ایران پیش از اسلام مواجهیم، اما بیش از آنکه جنبه دینی پیش‌گویی‌ها مطرح باشد، به جنبه سحر و جادو و طالع‌بینی در آنها

تحلیل پیش‌گویی‌های پایان جهان در دین زردشت با تکیه بر دیدگاه میرچا الیاده / ۱۴۷

پرداخته شده است؛ از جمله مقاله «پیش‌گویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دوره میانه» (باقری حسن کیاده و حشمتی، ۱۳۹۳: ۲-۲۴).

آثار و مقاله‌هایی که سه اثر *زند و هومن یسن*، *پیش‌گویی جاماسپ* در یادگار *جاماسپ* و *برآمدن شابه‌رام ورجاوند* را بررسی کرده‌اند، بیشتر کوشیده‌اند باورهای زردشتی درباره پایان جهان، رجعت و ظهور را توصیف کنند و از تحلیل اسطوره‌شناختی درباره این متون غافل مانده‌اند؛ برخی از مقالاتی که درباره این سه متن نگاشته شده از این قرارند: «منجی‌گرایی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت)» (محمّدی آرانی، ۱۳۸۶: ۳۵-۵۲)، «نقد و بررسی ترجمه صادق هدایت از *زند و هومن یسن*» (دهقانی و گودرزی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۴۲) و «هوشیدران» (عفیفی، ۱۳۴۵: ۱۴۸-۱۸۶).

یکی از پژوهشگرانی که به تفصیل درباره *زند و هومن یسن* بررسی کرده، کارلو چرتی است که در اثری با عنوان *The Zand i Wahman yasn, A Zoroastrian Apocalypse* کوشیده است تصحیح دقیقی از این اثر و پژوهشی درباره مختصات زمانی نگارش آن عرضه کند (Cereti, 1995)؛ پس از وی پژوهشگرانی چون فیلیپ ژینو و کرین بروک، بر این اثر نقد‌هایی نگاشته‌اند که ابوالفضل خطیبی در مقاله‌ای با عنوان «زند و هومن یسن، مکاشفه زرتشتی» آنها را ترجمه کرده است (ژینو و بروک، ۱۳۷۷). در کل، این اثر با وجود پژوهش ژرف‌کاوانه نگارنده، از نظر رویکرد با پژوهش پیش رو متفاوت است و صرفاً کار بر روی *زند و هومن یسن*، جنبه اشتراک این دو کار به شمار می‌آید.

در میانه تحقیقات انجام‌شده، برخی پژوهشگران صرفاً بر مفهوم «موعود» در دین زرتشتی تمرکز کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله «بازخوانی مفهوم موعود در دین زرتشتی» (آقایی، ۱۳۷۹) و نیز مقاله «سوشیانت در اوستا» (رضایی باغبیدی، ۱۳۷۷) اشاره کرد. به‌ویژه مقاله رضایی باغبیدی به سبب دقت و اتکایی که بر جنبه زبان‌شناسی در بررسی واژه «سوشیانت» دارد، در خور توجه است.

در پژوهش پیش رو، برخلاف مقالات یادشده و پژوهش‌های دیگری که ذکرش در این مجال نمی‌گنجد، بیش از آنکه هدف توصیف رویدادهای آخرالزمان و شیوه ظهور باشد، نگارندگان در پی تحلیلی اسطوره‌شناختی از چرایی چنین پیش‌گویی‌هایی هستند؛ لذا شیوه نگاه و روش مواجهه نگارندگان در این پژوهش با متون یادشده، تازه و در خور توجه است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

پیش‌گویی‌ها افزون بر آنکه نشان‌دهنده دغدغه‌ای کهن و مهم در ذهن بشرند، حاکی از ساز و کار فکری مشترک میان افراد بشر، از دوره‌ها و ادیان مختلف‌اند. درک الگوهای تکرارشونده و پیامدهایش با تکیه بر دیدگاه‌های اسطوره‌شناختی می‌تواند بخشی از زوایای تاریک ذهن بشر را روشن کند و چرایی پرداختن انسان از کهن‌ترین دوران‌ها تا کنون به مسئله آخرالزمان را قابل درک کند. این موضوع زمانی اهمیتی افزون‌تر می‌یابد که اساس پژوهش، الگوهای تکرارشونده پیش‌گویی در یک دین ایرانی باشد که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بسیاری بر فرهنگ و ادبیات ایرانیان نهاده است.

بنیان‌های نظری پژوهش

اساس کار پژوهش پیش‌رو بر دیدگاه‌های میرچا الیاده استوار است. از میان دیدگاه‌های متعدد وی، آنچه در این پژوهش، بیشتر محل اتکا است، نظریه وی درباره زمان و مکان قدسی و بازگشت جاودانه است. در نظریاتی که این‌پدیدارشناس دینی و اسطوره‌پژوه مطرح می‌کند، زمان و مکان به دو صورت قدسی و خطی وجود دارند؛ زمان و مکان خطی، همان زمان و مکانی است که به صورت معمول و نیز در روایت‌های تاریخی با آن مواجهیم؛ اما زمان و مکان قدسی عبارت از زمان و مکانی است که آیین‌ها و روایت‌های اساطیری و نیز هر محصول ذهنی که با این آیین‌ها و روایت‌ها در پیوندند، حضور در آن را برای ما فراهم می‌کنند.

برای گذار از زمان تاریخی به زمان قدسی و یافتن دریچه‌ای به لحظه ازلی، نیازمند روایت یا آیین اساطیری هستیم. در حقیقت آن که آیینی برپا می‌دارد، در شنودن و بازآفرینی نمادین روایتی اساطیری همراه می‌شود و بدین وسیله در زمان و مکانی برتر از زمان و مکان دنیوی جای می‌گیرد؛ به طور خلاصه می‌توان گفت بشر نخستین با زنده‌کردن اساطیر و زیستن با آن، از زمان خطی و دنیوی، که ویژه ثبت رویدادها و وقایع تاریخی است، خارج می‌شد و به زمانی وارد می‌شد که کیفیتی متفاوت داشت و به اصطلاح قدسی و مینوی بود. ورود به این زمان به مثابه ورود به ازل، یا به عبارتی همان *Illo tempore* بود که منشأ و بدایت هر آفرینش و پیدایشی است (الیاده، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

برای درک مفهوم اصطلاح *Illo tempore* باید در نظر داشت که در ذهنیت مردم

بدوی، زمان همگن نیست (الیاده، ۱۳۹۴ الف: ۳۶۶). می‌توان گفت از دید جوامع کهن، تاریخ بسته است؛ یعنی در رویدادهای شگفت‌انگیز آغاز زمان، به پایان رسیده است (الیاده، ۱۳۹۵: ۱۶) و تمام آنچه اکنون رخ می‌دهد، پیامد همان رویدادهای لحظه‌ای ازل است. درست همان‌گونه که انسان مدرن خود را موجودی در پیوند با تاریخ می‌داند و تأثیر رویدادهای تاریخی بر زندگی و زمانه خود را مهم می‌انگارد، بشر جوامع کهن، وضعیت خود را نتیجه رویدادهایی اسطوره‌ای برآورد می‌کند که در لحظه ازل رخ داده‌اند. از منظر جوامع سنتی، هر چیز مهم و معنادار، یعنی هر چیز آفرینش‌گونه و قدرتمند در آغاز زمان، یعنی در زمان اسطوره‌ها روی داده (همان) و تمام آنچه اکنون هست یا نیست، پیامد آن لحظه ازل است.

تقلید از الگوهای اساطیری، گوش‌دادن به روایتی اسطوره‌ای در هنگامه‌های آیینی، زمینه را برای گذار از زمان تاریخی و دنیوی به زمان قدسی فراهم می‌کرد. با چنین نگرشی است که در چشم‌انداز ذهنیت بشر امروزی، اسطوره و به همراه آن تمامی تجارب در پیوند با آن، از جمله تجارب مذهبی، تاریخ را فسخ و ملغای می‌کند (الیاده، ۱۳۹۴ الف: ۴۰۱) و زمینه را برای پیوند با لحظه ازل، یعنی *illo tempore* فراهم می‌سازد:

هر اسطوره، مستقل از سرشتی که دارد، گویای واقعه‌ای است که در ازل (*illo tempore*) روی داده است [...] هر آیین که آدمی بر پا می‌دارد و هر عمل منطقی و معنادار که انجام می‌دهد، تکرار سرمشق و مثالی اساطیری است و چنان‌که دیدیم، تکرار، فسخ و الغای زمان دنیوی و افتادن آدمی در مسیر زمان جادویی مذهبی را به دنبال دارد که با دیرند به معنای حقیقی دارای هیچ وجه مشترکی نیست؛ بلکه همان دوام حضور زمان سرمدی، یعنی زمان اساطیری، است (همان).

با چنین دیدگاهی بود که ورود به زمان قدسی و ازل، از سویی با تصور نوزایی و بی‌مرگی، و از دیگر سو با تصور بازگشت به حالت بدایت خویشتن و درک بی‌نظمی‌های (chaos) پیش از ورود به حالت منظم (cosmos) در پیوند بود. در حقیقت، در دیدگاه الیاده، نوزایی و آفرینش هر چیزی سیری از بی‌نظمی مطلق (chaos) به نظم (cosmos) دارد و در هنگامه ورود به زمان غیرهمگن قدسی، امکان بازگشت از نظم به بی‌نظمی و سپس نوزایی و آفرینش دوباره فراهم می‌شود.

به باور الیاده، از میان تمامی علوم، فقط روان‌کاوی است که به این نتیجه می‌رسد که

سرآغاز هر انسانی سعادت‌آمیز و به منزله نوعی بهشت بوده است؛ در دیگر علوم بر ناستواری و نقایص سرآغاز تأکید می‌شود. به نظر الیاده، دو دیدگاه فروید در خور توجه اسطوره‌شناس است: ۱. بهجت و فرحناکی اصل و سرآغاز هستی انسان؛ ۲. این نکته که به یاری یادآوری و تذکار و رجعت به گذشته می‌توان بعضی وقایع آسیب‌بخش نخستین مرحله کودکی را دوباره زنده کرد. این اندیشه با عنوان سعادت کامل ازلی در مذاهب عتیق هند، ایران، یونان و یهودیت و مسیحیت مضمونی پربسامد است. البته این بدان معنا نیست که روان‌کاوی فرویدی ساختاری اسطوره‌ای دارد؛ چراکه روان‌کاوی، فنی است که بازگشتی انفرادی به زمان اصل و سرآغاز را ممکن می‌کند (الیاده، ۱۳۹۲: ۸۵). به هر روی، روان‌کاوی فرویدی به سبب تأکید بر بهجت و سلامت آغازین، که با اندیشه تکوین کمال در ازل تناسب دارد، و نیز اتکا بر رجعت به گذشته، که با اندیشه بازگشت به ازل در پی آیین اساطیری متناسب است، محل توجه الیاده بوده است؛ گرچه میان این دو روش، که یکی بر تبیین رویکرد کهن و اساطیری استوار، و دیگری در پی ابداع شیوه‌ای جدید و روان‌شناختی است، تفاوتی بنیادین وجود دارد؛ این تفاوت بنیادین، امکان‌گذار از مسائل و دست‌یافتن به کمال با ورود به زمان قدسی به واسطه همراهی در آیین‌ها و روایت‌های اساطیری است که به هیچ روی فرآیندی انفرادی نیست. فرآیندی اسطوره‌ای است که برای همه باورمندان به آن، می‌تواند کارکردی مشترک داشته باشد (الیاده، ۱۳۹۴ ب: ۴۴).

بحث و بررسی

پیش‌گویی‌ها و به‌ویژه پیش‌گویی‌های در پیوند با پایان جهان، نشان از دغدغه و هراسی مشترک، میان نوع بشر دارند و در حقیقت روایت هراس انسان از ناشناخته‌ها و تلاشش برای چیرگی بر آنها هستند؛ از همین رو است که پیش‌گویی، قدمتی به طول عمر انسان دارد. واژه «پیش‌گویی» که در متون پهلوی به صورت Daxsak ضبط شده است، در متون در پیوند با دین زردشت، قابل مشاهده است، اما در متون برجای‌مانده از اوستا که مهم‌ترین متن زردشتی است، پیش‌گویی‌هایی که قابلیت تحلیل و بررسی اسطوره‌شناختی مفصل، بدین سبک و شیوه را داشته باشند، وجود ندارد (قبری، ۱۳۹۴: ۱۵۰)؛ لذا بررسی آثار دارای پیش‌گویی در پیوند با اوستا و دیانت زردشت، می‌تواند ره‌برنده باشد. بررسی سه اثر زند و هومن یسن، پیش‌گویی جاماسپ در یادگار جاماسپ و برآمدن

شابه‌برام ورجاوند به عنوان سه اثر بسیار مهم، که حاوی روایت‌های در خور توجه از پیش‌گویی‌های آخرالزمانی مرتبط با دیانت زردشتی هستند، نشان از آن دارد که ما با الگویی تکرارشونده مواجهیم؛ الگویی که بر اساس آن سه وضعیت قابل تشخیص است که به ترتیب روایت‌های پیش‌گویی چنین است:

۱. روایت‌هایی که نشان از سیر قهقرایی، از هم‌پاشی تدریجی نظم و حاکم‌شدن بی‌نظمی مطلق دارند؛

۲. ظهور منجی؛

۳. روایت‌هایی که نشان از حاکم‌شدن نظم مطلق و آبادانی گسترده دارند.

پیش از بررسی این سه وضعیت، ذکر این نکته ضروری است که در اسطوره‌های ایرانی و تحت تأثیر آن دیانت زردشت، عمر جهان دوازده هزار سال است و این دوازده هزار سال خود، به چهار دوره سه‌هزارساله تقسیم می‌شود که در طی هر سه هزار سال در میان انسان‌های نیک‌سرشت و اهورایی با نیروهای اهریمنی، نبردی سخت در جریان است و در پایان هر دوره، معمولاً با ظهور منجی، اوضاع به نفع نیروهای اهورایی تغییر می‌کند. زردشت، خود در پایان دوره سوم، یعنی سال نه‌هزارم، ظهور کرده است و در پایان هزاره‌های پسین شاهد ظهور هوشیدران و سوشیانس خواهیم بود (فره‌وشی، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۰) که در فاصله ظهور هر کدام، دوباره نبردهای میان نیروهای اهورایی و اهریمنی درمی‌گیرد. تکرار آشفتگی در میانه ظهور هوشیدران و سوشیانس، در آثار بررسی‌شده، از همین رو است.

اگر بخواهیم این سه وضعیت را در سه اثر بررسی‌شده به گونه‌ای منظم تبیین، و آنها را طبق دیدگاه میرچا الیاده طبقه‌بندی کنیم، جدول زیر می‌تواند در درک سیر و ساختار الگوهای تکرارشونده روایت‌ها مفید باشد؛ لذا ابتدا سیر این پیش‌گویی‌ها را در *زند و هومون یسن* می‌کاویم. درباره *زند و هومون یسن* (تفسیر بهمن یسن) باید گفت این اثر از متونی است که در آن به پیش‌گویی حوادث جهان با مکاشفه پرداخته شده (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۷۰)؛ پژوهشگران این اثر را در کنار *ارداویراف‌نامه*، *جاماسپ‌نامه* و *ایادگار جاماسپیگ* به عنوان مهم‌ترین متون معادشناسی و کشف و شهود زردشتی طبقه‌بندی کرده‌اند (چرتی، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۲۴). این اثر با خواهش زردشت از اورمزد آغاز می‌شود؛ زردشت از اورمزد، بی‌مرگی می‌خواهد و اورمزد، خرد همه‌آگاه (= خرد اورمزدی) را به وی نشان می‌دهد؛

زردشت که با دیدن این خرد می‌پندارد خواب دیده است، از اورمزد، تعبیرش را می‌طلبد (زند بهمن یسن، ۱۳۸۵: ۱). اورمزد چنین می‌آغازد: «ای زردشت سپیتمان! این است آنچه از پیش گویم (= پیش‌گویی من این است)» (همان: ۳)؛ این آغازی است برای ارائه پیش‌گویی‌هایی که اساس این اثر است. اکنون به طبقه‌بندی این پیش‌گویی‌ها و رویدادها در جدول زیر می‌پردازیم:

نام اثر	سیر قهرایی و ورود به بی‌نظمی مطلق	ظهور منجی	نظم مطلق
زند وهومن یسن	۱. در خورشید لک‌هایی ظاهر می‌شود؛ ۲. شیوع جنایات؛ ۳. بایری زمین؛ ۴. فساد جسمانی و روحانی مردم؛ ۵. گسیخته‌شدن افسار دیو خشم و آسیب به همه چیز؛ ۶. احکام و سنن دین رعایت نمی‌شود؛ ۷. بادهای گرم و سرد می‌وزد ولی باران نمی‌بارد؛ ۸. خورشید سه روز از حرکت باز می‌ایستد (همان: ۹-۱۰).	«سی‌سال پیش از پایان هزاره زرتشت، دختر جوانی در دریاچه فرزندان به آب‌تنی می‌پردازد و از فروغ نطفه زرتشت که در آنجا به دست ۹۹۹۹۹ فروهر اشو نگهداری شده آستن می‌شود. بدین سان هوشیدر به دنیا می‌آید»؛ سپس از دوران هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانس نیز به گونه‌ای معجزه‌آسا متولد می‌شوند که از منجی‌ها هستند (همان: ۱۰).	۱. هوشیدر نژاد دیوان و اهریمنان را به کمک بهرام ورجاوند، ریشه‌کن می‌کند؛ ۲. هوشیدر ایران را با آیین پیشینیان می‌آراید. ۳. در دوره هوشیدرماه فن پزشکی ترقی می‌کند و مردمان آسان نمی‌میرند؛ ۴. اصلاح نهایی امور و آماده‌کردن جهان برای رستاخیز با تلاش سوشیانس (همان).
تحلیل طبق دیدگاه الیاده:	میل به بازگشت جاودانه و در پی آن: خائوس	فراهم‌شدن لحظه Illo tempore	کاسموس

در این پیش‌گویی‌ها، از فرمان اهریمن به خشکاندن تا بازایستادن خورشید از حرکت، گونه‌ای میل به بازگشت جاودانه، پنهان است. تمایلی که بی‌نظمی (خائوس)، پیامد ناگزیر آن است و البته پیش‌گویی‌ها در این بی‌نظمی ختم نمی‌شود و با دررسیدن لحظه ازلی و ظهور منجی، نظم مطلق آغازین (کاسموس)، جهانگیر می‌شود؛ نظم مطلق که حاصل ظهور و تلاش منجی‌ها، از هوشیدر و هوشیدرماه گرفته تا منجی نهایی، سوشیانس است. پیش‌گویی جاماسپ در یادگار جاماسپ یا همان یادگار جاماسپیگ نیز جزء متون

تحلیل پیش‌گویی‌های پایان جهان در دین زردشت با تکیه بر دیدگاه میرچا الیاده / ۱۵۳

برجسته معادشناسی و کشف و شهود دین زرتشتی است (چرتی، ۱۳۹۵: ۱۲۴) و در چارچوب همین سیر قابل تطبیق و درک است. یادگار جاماسب اثری است که بخشی از این اثر پیش‌گویی‌های جاماسب دانا، وزیر یا مشاور گشتاسب را در خود جای داده است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۷۲). جدول زیر نشان‌دهنده تطبیق‌پذیری این روایت با همان سیر پیشین از دیدگاه الیاده است:

نام اثر	سیر قهقرای و ورود به بی‌نظمی مطلق	ظهور منجی	نظم مطلق
پیش‌گویی جاماسب در یادگار جاماسب	<p>۱. پس از هزار سال سلطه دین، مردمانی پیمان‌شکن پدید آیند که با هم کین و رشک ورزند؛</p> <p>۲. ایران‌شهر را به تازیان بسپارند و تازیان هر روز نیرومندتر شوند؛</p> <p>۳. مردم به رذیلت و دروغ‌گرایی و تنها به سود خودشان سخن گویند کار انجام دهند؛</p> <p>۴. بیداد گسترش یابد و فرمانروایان بسی گنج انبار کنند که به دست دشمن افتد؛</p> <p>۵. مرگ ناگهانی بسیار شود؛</p> <p>۶. ایرانیان و انیرانیان به هم آمیزند؛</p> <p>۷. توانگران را از درویشان فرخنده‌تر دارند؛</p> <p>۸. آزادگان و بزرگان به زندگی بی‌مزه رسند و مرگ را خوش دارند؛</p> <p>۹. دختر که زاینده به بها بفروشند؛</p> <p>۱۰. پسر مادر و پدر را زند؛</p> <p>۱۱. آتشان ایران‌شهر سرد و خاموش شوند؛</p> <p>۱۲. سپندارمذ (فرشته موکل زمین) بر اورمزد بانگ زند که من این زیان و بدی‌ها را بر نمی‌تابم. من زیر و زبر شوم و مردم را زیر و زبر کنم؛</p> <p>۱۳. پس از ظهور هوشیدرماه و یک دوره موقت سامان‌یافتگی، یک دوره بازگشت قهقرای موقت به واسطه دیو ملکوس رخ می‌دهد و «آن زمستان ملکوسان کند و همه دام و جانور اندر آن زمستان تباه شود» (یادگار جاماسب، ۱۳۴۴: ۱۱۶-۱۲۱).</p>	<p>۱. «او هنگام گرگ بشود (سراید) و هنگام میش اندر آید و هوشیدر زرتشتیان به نموداری دین پدید آید؛»</p> <p>۲. «چون هزاره هوشیدر به این‌گونه پانصد سال سر برود، خورشید دامان (آفریدگان) را بزند. هوشیدرماه زرتشتیان پدید آید و دین را روا (رایج) کند و آرز و نیاز سرده (نوع) همه را تباه کند؛»</p> <p>۳. پس از دوره قهقرای دیو ملکوس، ور جمکرد نقش منجی را با حصار جم ایفا می‌کند.</p> <p>۴. «پس هزاره سوشیانس اندر آید. سوشیانس به همپرسه (مشورت) اورمزد رود» (همان: ۱۲۰-۱۲۲).</p>	<p>۱. «و انائیه (زیان) و دروشک (دروغ‌زنی) سرآید و رامش و شادی و خرمی باشد؛»</p> <p>۲. «اندر هنگام هوشیدر خداوند باشد، اندر هنگام، عیاره (آفت -وبال) کم باشد. دروج و گرگ سرده (نوع) به اوسیهده (تباه) شود؛»</p> <p>۳. سوشیانس پس از دوره موقت قهقرای، ظهور کرده و دوباره «دین پذیرد و به جهان روا کند؛»</p> <p>۴. «مردمان گیتی، هم‌منش، هم‌گفتار و هم‌کردار باشند؛»</p> <p>۵. اهریمن را بیرون از آسمان بکشند و سرش را ببرند؛ پس دام اویژه (خالص) باشد، مردمان جاودانه، انوشه و بی‌مرگ و بی‌زمران (بی‌علت - بی‌غم) به‌داد (سن) پانزده‌ساله باشند. آنان را چنان باشد که به کام خواهند (همان: ۱۲۰-۱۲۳).</p>
تحلیل طبق دیدگاه الیاده:	میل به بازگشت جاودانه و در پی آن: خائوس	فراهم شدن لحظه Illo tempore	کاسموس

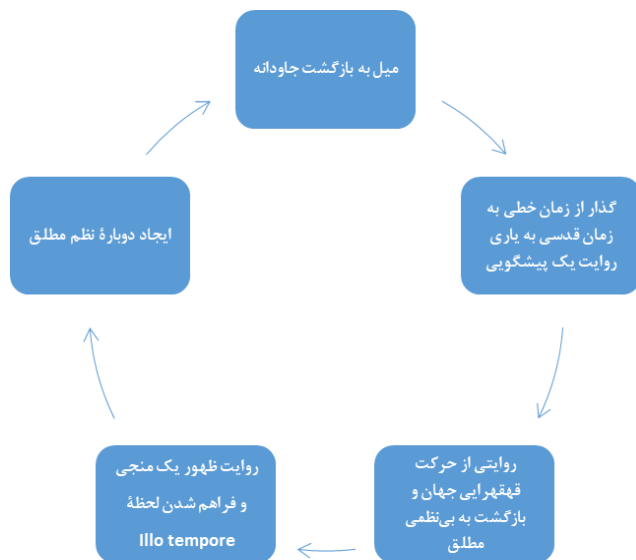
چنان‌که از جدول بالا مشخص است، در یادگار جاماسپ نیز با وجود آنکه در میانه ظهور هوشیدرماه و سوشیانس، دوره قهقرایی موقتی وجود دارد، باز همان سیر موجود در زند و هومن یسن، بر بنیاد نظریه الیاده، در این اثر نیز قابل تطبیق است؛ باید این نکته را در نظر داشت که سیر قهقرایی در میانه هر ظهور، با درک چرخه میل به بازگشت، که در ادامه توضیح خواهیم داد، مشخص و تبیین پذیر است.

از دیگر آثار، که از پیش‌گویی‌های در پیوند با دین زرتشت به شمار می‌آید، *برآمدن شابه‌رام ورجاوند است*. ظهور بهرام ورجاوند در پایان جهان به صورت منظومه مقفای کوتاهی مشتمل بر ۱۴ بیت با عنوان *برآمدن شابه‌رام ورجاوند* پیش‌گویی شده است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). در جدول زیر، سیر این اثر را بررسی می‌کنیم:

نام اثر	سیر قهقرایی و ورود به بی‌نظمی مطلق	ظهور منجی	نظم مطلق
<i>برآمدن شابه‌رام ورجاوند</i>	۱. «که ما چه دیدیم از دشت تازیان؛ بر یک گروه، دین نزار کردند و بی‌ژدند، شاهنشاه ما و کسی که آزاده (بود) ایشان. چون دیوان دین دارند، چون سگ‌خورند نان»؛ ۲. «بستندند پادشایی از خسروان»؛ ۳. «نه به هنر، نه به مردی، بلکه به افسوس و ریشخند، بستند، گیرند به ستم از مردمان، زن و خواسته‌های شیرین» و ... (<i>برآمدن شابه‌رام ورجاوند</i> ، ۱۳۷۱: ۱۹۰).	۱. از ما بیاید، شابه‌رام ورجاوند، از دوده کیان، بیاوریم کین تازیان، چون رستم که آورد یکصد کین سیاوشان» (همان: ۱۹۱).	۱. «بنشانیم آتشان بتکده‌ها برکنیم و پاک کنیم از جهان تا ویران شوند دروج‌زادگان از این جهان» (همان).
تحلیل طبق دیدگاه الیاده:	میل به بازگشت جاودانه و در پی آن: خائوس	فراهم شدن لحظه Illo tempore	کاسموس

روشن و آشکار است که در *برآمدن شابه‌رام ورجاوند* نیز سیر، همان سیر است؛ از آشفته‌شدن پادشاهی و اوضاع و مملکت گرفته، که نمود بی‌نظمی و خائوس است، تا برآمدن شابه‌رام بسان منجی در لحظه ازلی و پاک‌کردن جهان از بتکده و دروغ که باید آن را نمود نظم و کاسموس در نظر گرفت.

در کل، آنچه از این سه پیش‌گویی زرتشتی می‌توان درک کرد، آن است که سیر مد نظر پژوهندگان در هر سه اثر دیده می‌شود. این سیر، که با دیدگاه میرچا الیاده برای گذار از زمان خطی به زمان قدسی و بازگشت در مراحل آفرینش تا بی‌نظمی مطلق و سپس نوزایی در پی نجات‌بخشی و نظم مطلق، تطبیق‌پذیر است، در هر سه جدول بالا دیده می‌شد. به صورت خلاصه می‌توان این جداول را در نمودار زیر گنجانند:



در حقیقت، انسان به سبب آنچه الیاده وحشت از تاریخ (The Terror of History) می‌نامد (Eliade, 1991: 140)، در پی آن برمی‌آید که با گذار از زمان خطی به زمان قدسی، از این وحشت و اضطراب‌رهایی یابد. باید این نکته را در نظر داشت که برخی پژوهشگران، چنین پیش‌گویی‌هایی را بازتاب گسترش قدرت اعراب در ایران و چیرگی آنها بر سرزمین زرتشتی‌ها ارزیابی می‌کنند (Daryaei, 1998: 188). با در نظر داشتن این موضوع و اضطراب و وحشتی که پیامد رویدادی تاریخی است، روایت قدسی دینی پیش‌گویی‌ها در دیانت زردشتی، این قابلیت را دارد که احساس‌رهایی را برای باورمندان به این کیش فراهم کند؛ روایتی که در قالب سیری قهقرایی، بازگشت به بی‌نظمی مطلق نخستین را به تصویر می‌کشد و سپس با صحنه‌پردازی و شخصیت‌پردازی منسجم، ظهور منجی و ایجاد لحظه‌ازلی را پیش‌گویی می‌کند؛ ایجاد دوباره نظم مطلق، که پیامدش بهبود اوضاع، رستن از اضطراب‌ها و وحشت‌ها و نوزایی و سلامت مطلق امور زمانه است، پیامد خوشایند ورود به سیر روایت این پیش‌گویی‌های دینی در دیانت زردشت است.

نتیجه

بررسی سه کتاب *زند و هومن یسن*، *پیش‌گویی جاماسپ* در *یادگار جاماسپ* و *برآمدن شابه‌رام ورجاوند* نشان از آن دارد که در هر سه اثر یادشده پیش‌گویی‌ها الگوی تکرارشونده‌ای را دنبال می‌کنند؛ الگویی که بر اساس آن جهان و مردمانش به واسطه رویدادهایی در پی هم‌آینده، با سیری قهقرایی، به سمت و سوی ویرانی و بی‌نظمی پیش می‌رود تا آنجا که با ظهور ناجی ورق برمی‌گردد و اساس جهان دوباره آن‌گونه که باید بنیان نهاده می‌شود و نظم و آبادانی فراگیر می‌گردد. بر بنیاد دیدگاه میرچا الیاده، این پیش‌گویی‌ها، که روایتی اسطوره‌ای از آخرالزمان‌اند، به مثابه مناسکی است که مخاطب باورمند خود را از چارچوب و بند زمان خطی تاریخی، که سرشار از اضطراب و محدودیت است، می‌رهانند و به زمان غیرهمگن و رها از بند قدسی می‌سپارند؛ افزون بر این، روایت پیش‌گویی‌های زردشتی با ارائه سیری قهقرایی در آغاز خود ذهن مخاطب باورمند را برای بازگشت گام به گام از کاسموس به خائوس و از خائوس به *Illo tempore* و از *Illo tempore* به کاسموسی دوباره، فراهم می‌کند؛ بنابراین گرچه نام این روایت‌ها پیش‌گویی آینده است، اما درون‌مایه‌اش نشان از میل به بازگشت جاودانه بشر به لحظه ازلی و بازسازی جهان با طرحی نو و آن‌گونه که باید و شاید دارد.

منابع

- آقایی، سید مجتبی (۱۳۷۹). «بازخوانی مفهوم موعود در دین زرتشتی»، در: *هفت آسمان*، ش ۷، ص ۱۱۱-۱۲۸.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۲). *چشم‌اندازهای اسطوره*، ترجمه: جلال ستاری، تهران: توس، چاپ سوم.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۴ الف). *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه: جلال ستاری، تهران: سروش، چاپ پنجم.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۴ ب). *نمادپردازی، امر قدسی و هنر*، ترجمه: محمدکاظم مهاجری، تهران: کتاب پارسه، چاپ اول.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۵). *آیین‌ها و نمادهای تشرف*، ترجمه: محمدکاظم مهاجری، تهران: کتاب پارسه، چاپ اول.
- باقری حسن کیاده، معصومه؛ حشمتی، مهناز (۱۳۹۳). «پیش‌گویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دوره میانه»، در: *فرهنگ و ادبیات عامه*، س ۲، ش ۳، ص ۲-۲۴.
- «برآمدن شابهرام ورجاوند» (۱۳۷۱). *متون پهلوی*، گردآورنده: جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، گزارش: سعید عربان، تهران: کتاب‌خانه ملی ایران، چاپ اول.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام*، به کوشش: ژاله آموزگار، تهران: سخن، چاپ پنجم.
- چرتی، کارلوج (۱۳۹۵). *ادبیات پهلوی*، تهران: فرزانه، چاپ اول.
- دری، نجمه؛ قائدزاده خمیری، محمدنور (۱۳۹۳). «پیش‌گویی در گرشاسب‌نامه حکیم اسدی توسی»، در: *مطالعات ایرانی*، س ۱۳، ش ۲۶، ص ۴۷-۶۳.
- دهقانی، رضا؛ گودرزی، سیمین‌دخت (۱۳۹۳). «نقد و بررسی ترجمه صادق هدایت از زند و هومن یسن»، در: *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، س ۳، ش ۲۰۱، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۷۷). «سوشیان در اوستا»، در: *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۶۴، ص ۱۰۳-۱۱۳.
- زند بهمن یسن (۱۳۸۵). *تصحیح متن، آوانویسی، و برگردان فارسی: محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، چاپ دوم.
- «زند و هومن یسن» (۱۳۴۴). *زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر پاپکان*، گردآورنده و مترجم: صادق هدایت، تهران: پرستو، چاپ چهارم.
- ژینو، فیلیپ؛ بروک، کرین (۱۳۷۷). «زند و هومن یسن، مکاشفه زرتشتی»، ترجمه: عبدالحمید روح‌بخشان، ابوالفضل خطیبی، در: *نامه فرهنگستان*، ش ۱۴، ص ۱۳۵-۱۴۵.

- عفیفی، رحیم (۱۳۴۵). «هوشیدران»، در: *جستارهای ادبی*، س ۲، ش ۶، ص ۱۴۸-۱۸۶.
- غلام‌پور دهکی، سکینه؛ پشت‌دار، علی محمد (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی کارکردهای پیش‌گویی در حماسه‌های بزرگ جهان (شاهنامه، ایلیاد، ادیسه)»، در: *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، س ۱۱، ش ۴۱، ص ۲۵۱-۲۸۱.
- فروه‌وشی، بهرام (۱۳۹۰). *جهان فروری: بخشی از فرهنگ ایران کهن*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- قنبری، ندا (۱۳۹۴). «بررسی تحلیلی عنصر پیش‌گویی در اساطیر ملل»، در: *پارسه*، س ۱۵، ش ۲۴، ص ۱۴۹-۱۷۶.
- محمدمدی آرانی، مریم (۱۳۸۶). «منجی‌گرایی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت)»، در: *پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی*، ش ۲۲، ص ۳۵-۵۲.
- هدایتی، فاطمه؛ نورایی، محسن (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی پیش‌گویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت»، در: *مشرق موعود*، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۲۲۵-۲۴۴.
- «یادگار جاماسپ» (۱۳۴۴). *زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر پاپکان*، گردآورنده و مترجم: صادق هدایت، تهران: پرستو، چاپ چهارم.

Cereti, C. (1995). *The Zand i Wahman yasn, A Zoroastrian Apocalypse*. Serie Orientale, Roma: Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente.

Daryaei, T. (1998) "Apocalypse Now: Zoroastrian Reflections on the Early Islamic Centuries", in: *Medieval Encounters*, Vol. 4, No. 3.

Eliade, M. (1991). *The Myth of The Eternal Return*, Translated from the French: Willard R. Trask, Ninth paperback printing, Princeton: Princeton University Press.

References

- Āqāyī, Siyyid Mujtabā. 2000. "The Rereading of the Promised Concept in Zoroastrianism (Bāzkhānī Mafhūm-i Mu'ūd dar Dīn-i Zartushtī)". In: *Heavens (Haft Āsimān)*, no.7, pp.111-128. [in Farsi]
- 'Afīfī, Raḥīm. 1966. "Hūshīdarān". In: *Literary Inquiries (Jastār-hāyi Adabī)*, yr.2, no.6, pp.148-186. [in Farsi]
- Bāqirī Ḥasan Kīyādih, Ma'sūmih; Ḥishmatī, Mahnāz. 2014. "Prophecy and Astrology in Medieval Iranian Texts (Pīshgūyī wa Ṭālī'bīnī dar Mutūn-i Irāni-yi Duri-yi Mīyānih)". In: *Popular Culture and Literature (Farhang wa Adabīyāt-i 'Āmmih)*, yr.2, no.3, pp.2-24. [in Farsi]
- Cereti, C. 1995. *The Zand i Wahman yasn, A Zoroastrian Apocalypse*. Serie Orientale, Roma: Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente.
- Chertī, Carlo J. 2016. *Pahlavi Literature (Adabīyāt-i Pahlavī)*, Tehran: Farzān, First Edition. [in Farsi]
- Daryae, T. 1998. "Apocalypse Now: Zoroastrian Reflections on the Early Islamic Centuries". In: *Medieval Encounters*, vol.4, no.3.
- Dihqānī, Riḍā; Gūdarzī, Sīmīndukht. 2014. "Critique and Review of Šādiq Hidāyat's Translation of Zand-i Wahman Yasn (Naqd wa Barrisī Tarjumih-yi Šādiq Hidāyat az Zand-i Wahman Yasn)". In: *Journal of Literary Criticism and Rhetoric (Pazhūhishnāmi-yi Naqd-i Adabī wa Balāghat)*, yr.3, no.201, pp.123-142. [in Farsi]
- Durrī, Najmih; Qā'idzādih Khamūrī, Muḥammad Nūr. 2014. "Pīshgūyī dar Garshāsb-nāmih Ḥakīm Asadī Tūsī". In: *Iranian Studies (Muṭālī'āt-i Irāni)*, yr.13, no.26, pp.47-63. [in Farsi]
- Eliade, M. 1991. *The Myth of The Eternal Return*, Translated from the French: Willard R. Trask, Ninth paperback printing, Princeton: Princeton University Press.
- Eliade, Mircea. 2013. *Perspectives of Myth (Chishm Andāz-hāyi Ustūrih)*, Translated by Jalāj Sattārī, Tehran: Tūs, Third Edition. [in Farsi]
- Eliade, Mircea. 2015 a. *Treatise on the History of Religions (Risālih dar Tārīkh-i*

- Adyān*), Translated by Jalāj Sattārī, Tehran: Surūsh, Fifth Edition. [in Farsi]
- Eliade, Mircea. 2015 b. *Symbolism, the Sacred and Art (Namādpardāzī, Amr-i Qudsī wa Hunar)*, Translated by Muḥammad Kāzīm Muḥājirī, Tehran: Kitāb-i Pārsih, First Edition. [in Farsi]
- Eliade, Mircea. 2016. *Rites and Symbols of Initiation*, Translated by Muḥammad Kāzīm Muḥājirī, Tehran: Kitāb-i Pārsih, First Edition. [in Farsi]
- Farihwashī, Bahrām. 2011. *Jahānfarwarī Bakhshī az Farhang-i Iran-i Kuhan*, Tehran: Tehran University Publications, Third Edition. [in Farsi]
- Ghulāmpūr Dahakī, Sakīnih; Pushtdār, Ali Muḥammad. 2015. “A Comparative Study of Functions of Prophecy in the Great Epics of the World (Shāhnāmih, Iliad, Odyssey) (Barrisī Taṭbīqī Kārkard-hāyi Pīhgūyī dar Ḥamāsīh-hāyi Buzurg-i Jahān)”. In: *Mystical and Mythological Literature (Adabīyāt-i ‘Irfānī wa Uṣṭūrī-shinākhtī)*, yr.11, no.41, pp.251-281. [in Farsi]
- Gino, Philip; Brooke, Crane. 1998. “Zand-i Wahman Yasn, Zoroastrian Revelation”, Translated by ‘Abdul-ḥamīd Rūhbakhshān and Abulfaql Khaṭībī. In: *Academy Letter (Nāmih Farhangistān)*, no.14, pp.135-145. [in Farsi]
- Hidāyatī, Fāṭimih; Nūrāyī, Muḥsin. 2016. “A Comparative Study of Apocalyptic Prophecies in Islam, Judaism, and Christianity (Barrisī Taṭbīqī-yi Pīshgūyī-hāyi Ākhar al-Zamān dar Islam, Yahūdīyat wa Masīḥīyat)”. In: *Mashriq-i Mu‘ūd*, yr.10, no.38, pp.225-244. [in Farsi]
- Muḥammadī Ārānī, Maryam. 2007. “Saviorism in Religions (Zoroastrianism, Judaism, Christianity)”. In: *Research Journal of Islamic Wisdom and Philosophy (Pazhūhish-nāmiyi Ḥikmat wa Falsafih-yi Islāmī)*, no.22, pp.35-52. [in Farsi]
- Qanbarī, Nidā. 2015. “An Analytical Study of the Element of Prophecy in the Mythology of Nations (Barrisī Taḥlīlī ‘Unṣur-i Pīshgūyī dar Asāṭir-i Milal)”. In: *Pārsih*, yr.15, no.24, pp.149-176. [in Farsi]
- Riḍāyī Bāghbīdī, Ḥasan. 1998. “Saoshyant in Avesta”. In: *Articles and Reviews (Maqālāt wa Barrisī-hā)*, no.64, pp.103-113. [in Farsi]
- Tafaḍḍulī, Aḥmad, 2007. *History of Pre-Islamic Literature (Tārīkh-i Adabīyāt-i Pīsh az Islam)*, Edited by Zhālīh Āmūzgār, Tehran: Sukhan, Fifth Edition. [in Farsi]

- “The rise of Shābahrām Varjāvand”. 1992. *Pahlavi Texts*, Collected by Jāmāsb J. Dastūr Manūchīhr J. Jāmāsb Āsānā, Reported by: Sa‘īd ‘Uryān, Tehran: National Library of Iran, First Edition. [in Farsi]
- “Yādīgār-i Jāmāsp”. 1965. *Zand-i Wahman Yasn wa Kārnāmih Ardishīr-i Pāpakān*, Collected and Translated by Şādiq Hidāyat, Tehran: Parastū, Fourth Edition.
- “Zand-i Wahman Yasn”. 1965. *Zand-i Wahman Yasn wa Kārnāmih Ardishīr Pāpkān*, Collected and Translated by Şādiq Hidāyat, Tehran: Parastū, Fourth Edition. [in Farsi]
- Zand-i Wahman Yasn*. 2006. *Text Correction, Transliteration and Persian Translation: Muḥammad Taqī Rāshid Muḥaṣṣil*, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Second Edition. [in Farsi]